

---

## بررسی مؤلفه‌های مدیران فاسد از منظر قرآن (با تأکید بر بیانیه گام دوم)

---

سید رضا انوری<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
علی آقا صفری<sup>۲</sup>

### چکیده

مدیران در چگونگی استفاده مطلوب از منابع مادی و انسانی نقش محوری داشته و بخش قابل توجهی از کارایی و اثربخشی و بهره‌وری و نیل به اهداف سازمانی بستگی به عملکرد آنان دارد. با عنایت به اهمیت مسئله و کارکردهای آن ضروری است که نقش مدیران فاسد، ناکارآمد و مخرب در هدر رفتن سرمایه‌های سازمان و ورشکستگی و اضمحلال آن، از منظر قرآن و بیانیه گام دوم مورد بحث و بررسی قرار گیرد. نگارندگان با مراجعه به آیات کلام وحی و اقوال مفسران و بیانیه گام دوم و با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی مسئله یاد شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که قرآن به عنوان کتاب جامع و جهانی و سند راهبردی اسلام مؤلفه‌های مدیران نالایق و فاسد را به خوبی ترسیم و در آیات متعدد خصایص و ویژگی‌های آنان را بیان کرده است که از آن جمله

---

۱. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه،

anvarim709@yahoo.com

۲. دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، a.a.safari1364@gmail.com

طغیان، عصیان، تکذیب، تمسخر، تحمیق، کاشت بذر و هسته‌ی ناامیدی و مانند آن است. مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم ضمن تأکید بر انتخاب مدیران شایسته‌ی با معیارهای انقلابی، مردمی و پاک دستی در سطوح مختلف؛ به خوبی پیامدهای ویرانگر باورها، عملکردها و رفتارهای انحرافی مدیران ناشایست را در حوزه‌های متعدد بیان و از واگذاری مسئولیت‌های خرد و کلان به آنان به جد نهی کرده است.

**واژگان کلیدی:** مؤلفه‌های قرآنی، مقام معظم رهبری، مدیران فاسد، بیانیه گام دوم.

## مقدمه

امروزه شاهد تغییرات فزاینده‌ای در جوامع سازمان‌ها هستیم که در چگونگی مدیریت آن‌ها تأثیر گذاشته است. این تغییرات باعث شده که مدیران حساسیت بیشتری به مدیریت انسان‌ها در سازمان‌ها داشته باشند. تحقیقات نشان می‌دهد که عملکرد و بهره‌وری سازمان‌ها تحت تأثیر مدیریت صحیح بوده و اندیشمندان عرصه مدیری علت موفقیت سازمان‌های برتر و موفق دنیای پیشرفته و پیچیده امروزی را در شیوه مدیریت آن‌ها می‌دانند (متین زارعی، ۱۳۹۳: ۵)؛

مدیران کارآمدترین افراد جامعه و سازمان می‌باشند. تجارب و یافته‌های بشری نشان می‌دهد که رشد و شکوفایی سازمان منوط به این است که مدیران امین و کاردان و متخصص در رأس هرم قرار گیرند و اگر هدایت و سکان سازمان‌ها به دست مدیران نالایق و فاسد سپرده شود رکود و افول و اضمحلال سازمان‌ها حتمی است.

آقای قرائتی با استناد به کلام وحی که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيُمْكِرُوا فِيهَا»؛ (انعام/۱۲۳)؛ تصریح می‌کنند که مدیران و رهبران فاسد، ریشه فساد اجتماع هستند. تزویر و دروغ، حربه‌های اصلی مدیران و رهبران فاسد است (قرائتی، ۱۳۹۱: ۴۳)؛

در طول تاریخ حیات بشر سعی و تلاش همه بر این بوده است که از سپردن مدیریت به مدیران فاسد خودداری شود؛ تا شاهد تنزل و انحطاط در اجتماع نباشند؛ هرچند نهی از واگذاری مدیریت به مدیران فاسد قدمتی به درازی تاریخ بشریت دارد و انسان‌ها ذاتاً از این دسته افراد متنفر هستند؛ اما از سوی دیگر همچنان این مصیبت بزرگ پابرجا است و مدیران فاسد از طرق متعدد و ترفندها و شیوه‌های گوناگون در سازمان‌ها نفوذ نموده و مسئولیت‌های مهمی را به عهده می‌گیرند، ولی با این وجود باید مؤمنان و جوامع اسلامی نسبت به پیامدها و عملکرد مخرب آنها آگاه باشند و معیارها و ملاک‌هایی را که قرآن کریم جهت انتخاب و استخدام و واگذاری مسئولیت بیان کرده است را اتخاذ نمایند و از اعطای

مناصب مدیریتی به این دسته از افراد اجتناب نمایند و بفرض اگر مدیران فاسد زمام امور را به عهده بگیرند نتیجه و پیامدش همان می‌شود که شهید مطهری با استناد به کلام وحی می‌فرماید: «اگر همه مردم این قدر شریر و فاسد و ظالم و دروغ‌گو بودند آن جامعه را هلاک می‌کردیم، چنین جامعه‌ای محال است وجود داشته باشد، اصلاً قابل دوام نیست و فوراً هلاک می‌شود. اینکه قرآن هلاک اقوام گذشته را بیان می‌کند برای چیست؟ می‌گوید: قبل از شما اقوامی بودند که وقتی اکثریت مردم آن اقوام بد شدند، ریشه آنها را کن‌دیم. پس اگر جامعه دوام دارد بدانید که اکثریت مردم فاسد نیستند، بلکه اقلیتی فاسدند که آنها همکف‌های روی آب‌اند» (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۷/۴۴۶)؛

بر اساس مطالب یاد شده ضرورت دارد که مؤلفه‌های اصلی مدیران فاسد شناسایی شود؛ تا با شناسایی آنها نحوه مبارزه با مدیران فاسد هم فراهم گردد.

بی‌تردید شناسایی دقیق مؤلفه‌ها منوط و وابسته به این است که به قرآن کریم به عنوان متقن‌ترین منبع وحیانی که هدایت بشر را به عهده دارد مراجعه شود چون؛ مملو از الگوهای عملی برای مدیریت سازمان‌ها در راستای سعادت دنیوی و اخروی بشر است. همچنین بیانیه گام دوم که در واقع برای هدایت جامعه اسلامی به سمت رشد و تعالی تدوین شده است نیز رهنمودهای در این عرصه دارد که آن هم ضرورت دارد مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد. از این‌رو نگارندگان با مراجعه به کلام وحی و بیانات مقام معظم رهبری مسئله مورد بحث را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند تا از این رهگذر مؤلفه‌های اصلی مدیران فاسد شناسایی و سازمان‌های اسلامی از وجود منحوس آنان پالایش گردد.

## ۱. مفهوم شناسی

فهم و تحلیل صحیح یک موضوع علمی درگرو فهم صحیح واژگان و مفاهیم بکاررفته پیرامون آن است؛ زیرا شناسایی متغیرها و مفاهیم کلیدی در هر پژوهشی، جهت رفع ابهام و پایایی تحقیق تأثیر بسزایی دارد. (عباسی مقدم، ۱۳۷۹: ۳۱)؛ از این‌رو، پیش از ورود به بحث، ضروری است مفاهیم اصلی مورد تبیین قرار بگیرد.

## ۱.۱) مدیریت

مدیریت در کتب لغت به معنای توانایی و شایستگی اداره جایی یا رهبری و کنترل فعالیت‌های در حال انجام برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر، اداره کردن، لیاقت، شایستگی، توانایی، اداره‌کننده یا اداره‌کنندگان یک اداره، سازمان و شرکت، ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۲۵: ۴۴ / ۴۴؛ معین، ۱۳۸۵: ۳ / ۳۹۷۳). بر مبنای معنای لغوی کلمه مدیر، مدیریت در اصطلاح تعریف شده به: «کار کردن با و به وسیله افراد و گروه‌ها برای تحقق هدف‌های سازمانی» (فالت، ۱۹۱۸: ۳۴)؛ همچنین در تعریف دیگر آمده است که مدیریت، فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد. (رضایان، ۱۳۹۱: ۷)؛ و اما مدیریت اسلامی به معنای تأثیرگذاری اسلام از طریق نظام ارزشی در مدیریت خرد و کلان است (مصباح یزدی ۱۳۷۹: ۲۸۸)؛ در تعریف دیگر، مدیریت اسلامی، هنر و علم به‌کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است؛ به طوری که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (نبوی، ۱۳۷۳: ۳۵)؛

## ۲.۱) بیانیه گام دوم

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» منشوری است که در تاریخ بیست و دوم بهمن هزار و سیصد و نود و هفت توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران صادر شده و در آن ضمن یادآوری دستاوردهای گذشته، افق فراروی انقلاب اسلامی را نیز در ضمن هفت توصیه ترسیم کرده‌اند. در واقع بیانیه گام دوم تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پذیری و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدیدی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد این گام دوم انقلاب را «به آرمان بزرگش که تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید عظمی (ارواحنا فداه) هست» نزدیک خواهد کرد (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ۱۱،

۲۲ (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673) [content?id=41673](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673));

### ۳.۱) فساد

فساد در لغت از ریشه فَسَد و به معنای تباهی است (قرشی ۱۳۶۷: ۵/۱۷۴)؛ از نگاه راغب هرگونه خارج شدن اشیاء از حد اعتدال را فساد گویند (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۶۳۶)؛ و مصطفوی اضافه می‌کند که این ایجاد اختلال ممکن است در وجود خارجی یا اعمال و امور انسانی یا احکام و قوانین الهی باشد (مصطفوی ۱۴۱۶: ۹/۸۵)؛ و زبیدی در نهایت بر این عقیده است فساد چیزی است که منجر به بطلان و تغییر و نابودی می‌گردد (زبیدی ۱۴۱۴: ۵/۱۶۵)؛ فساد نقطه مقابل صلاح است (فراهیدی ۱۴۰۹: ۷/۲۳۱)؛ جوادی آملی می‌نویسد: افساد نیز مخالف اصلاح و به معنای ایجاد خلل و نابسامانی در نظم و اعتدال اشیاء است (جوادی آملی ۱۳۹۰: ۲/۲۷۱)؛

این واژه و مشتقات آن در قرآن پنجاه بار به کار رفته است و این نشان‌دهنده اهمیت دادن قرآن به این مسئله است و تأکید مکرر کلام وحی بر پرهیز از فساد در زمین نشانه اهتمام جدی قرآن نسبت به بعد اجتماعی زندگی بشر است از نگاه قرآن اساس زندگی بر نظم و صلاح بنا شده است بدین جهت خدای متعال با وجود حمایت مستمر از صالحان، همیشه نسبت به مفسدان در زمین اظهار تنفر و غضب نموده و دیگران را به عبرت گرفتن از آنان فراخوانده است اصلاح نیز مصدر باب افعال نقطه مقابل افساد و به معنای رفع نابسامانی‌ها و ایجاد نظم و اعتدال است (فتاحی زاده و شیردل، ۱۳۹۷: ۳۲)؛ صلاح با تمام مشتقاتش ۱۸۰ مرتبه در قرآن به کار رفته است.

لازم به ذکر است که قرآن این واژه را در حوزه‌های گوناگونی از جمله اصلاح فردی، یا میان دو شخص، یا در محیط خانواده یا در محیط جامعه به کار برده است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳۸)؛

از منظر قرآن کریم فساد به عنوان مانع و رادع در تحقق رشد و کمال فردی و اجتماعی

انسان (بقره/۳۰)؛ و از عوامل مؤثر در افول و سقوط تمدن‌ها محسوب می‌شود (اعراف/۸۵ - ۸۶؛ نمل/۱۴)؛ یکی از اهداف و رسالت‌های قرآن کریم پیشگیری و مبارزه با فساد است و پیامبران الهی به عنوان پیشگامان مبارزه با فساد مبعوث به رسالت شده‌اند (بقره/۶۰؛ اعراف/۷۴؛ عنکبوت/۳۶)؛

مفهوم فساد در مقابل صلاح و در زمره مفاهیم کلیدی قرآن به شمار می‌رود که شناخت دقیق آن‌ها نقش محوری در فهم سایر مباحث پیرامون آن دارد در صورتی که این گونه مباحث کلیدی به درستی مورد بررسی قرار گیرند، بحث‌های وابسته به آنها نیز به خوبی جای خود را در میان مباحث باز خواهند کرد؛ اما در صورتی که آن مباحث کلیدی و نقش‌آفرین، مبهم باقی بمانند، سودی از بحث‌های دیگر مبتنی بر آن‌ها عاید کسی نخواهد شد و حتی احتمال سوء استفاده از آن‌ها نیز وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۲)؛

در برداشت عمومی، صلاح و فساد، از مفاهیم روشن و بدیهی به نظر می‌رسد و همگان می‌پذیرند که عمل صالح عملی پسندیده است و جامعه باید بدان سمت حرکت نماید و فساد امر نامطلوبی است و باید از آن پرهیز کرده و با آن به مبارزه برخاست؛ اما در عین حال، همین مفاهیم واضح و بدیهی، به گونه‌ای است که روشن کردن مصادیق و حد و مرزهای آن کاری بس دشوار است (همان، ۳۴ - ۳۵)؛ به همین جهت لازم است که فساد در مدیریت مدیران فاسد که در رأس امور قرار دارد از نگاه قرآن کریم مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم درباره مبارزه با فساد در جمهوری اسلامی می‌فرماید: «عدالت و مبارزه با فساد این دو لازم و ملزوم یکدیگرند فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی توده چرکین کشورها و نظام‌ها اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست؛ و این برای نظام چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است بسیار جدی‌تر و بنیادی‌تر از دیگر نظام‌ها است و سوسه مال و مقام و ریاست حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت علی علیه السلام کسانی را لغزند پس خطر بروز این

تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده زیستی می دادند هرگز بعید نبوده و نیست و این ایجاب می کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)؛

حضرت امام خمینی علیه السلام هم در اوایل انقلاب اسلامی راجع به وزارت خانه فرمودند: «وزارتخانه ها الآن هیچ کدام یک وزارتخانه صحیح نیست... باید یک هیئتی از طرف مجلس تعیین شود از اشخاص قاطع، راه بیفتند دور ممالکی که سفارتخانه داریم، سفارتخانه ها را اصلاح کنند. این اشخاص سازمانی و این اشخاص فاسد را کنار بگذارند که سفارتخانه یک سفارتخانه انسانی بشود. سفارتخانه حالا در هر جا که دست رویش می گذارند فاسد است. هر جا که دست می گذارند جز خوردن و خوراک و جز تفریح و فحشا چیزی در آن نیست. این ها باید اصلاح بشود.» (خمینی، ۱۳۹۲: ۳۷۱)؛

بر پایه گزاره های وحیانی قرآن کریم فساد به دو نوع قابل تقسیم است.

#### ۴.۱) فساد طبیعی

فساد طبیعی به آن نوع فسادی که دست بشر در ایجاد آن دخالت ندارد، فساد طبیعی گویند. جهان هستی همواره در حال کون و فساد است. این دگرگونی و حیات و ممات در عالم وجود امری طبیعی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۷/۲)؛ بر اساس قانون تراحم و تنازع در بقاء هر موجودی با گردش زمان از حیث تکوین، محکوم به فنا و فساد است (سهرابی، ۱۳۹۲: ۹۷)؛ کاربرد این نوع فساد در قرآن محدود است چنان که از میان تمام موارد استعمال این واژه در قرآن تنها دو آیه در این رابطه آمده است (مؤمنون/۷۱)؛ و (انبیاء/۲۲)؛ در این دو آیه فساد به معنای برهم خوردن نظام حاکم بر طبیعت است.



## ۵.۱) فساد بشری

مقصود از فساد بشری آن فسادی است که به دست بشر پدید می‌آید و بر اساس آن ارزش‌های دین یا جامعه پایمال و نابود می‌شود و وضعیت جامعه از حالت مطلوب به نامطلوب تغییر می‌یابد. این نوع فساد در آموزه‌های اسلامی، مذموم شمرده می‌شود؛ زیرا آنچه سبب بازماندن انسان از سعادت ابدی می‌شود همین فساد است (عالمی، ۱۳۸۶: ۱۱۹)؛ که یکی از اهداف بعثت انبیاء دفع و رفع این نوع فساد بوده است که بیشترین کاربرد این واژه در قرآن ناظر به همین نوع فساد می‌باشد.

مقام معظم رهبری هم در بیانیه گام دوم راجع به این نوع فساد می‌فرماید: «البته نسبت به فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فساد پرور بود، بسی کمتر است و بحمد الله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است.

همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص بر حذر باشد و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌های فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌های نورانی است این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کاربرد (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)؛

## ۲. مؤلفه‌های مدیران فاسد

### ۱.۲) طغیان

واژه طغیان مصدر از ماده طغو طغی به معنای تجاوز از حد متعارف، تجاوز از حد در

عصیان و نافرمانی (مصطفوی ۱۳۶۰: ۸۲ / ۷)؛ تجاوز از حد با افراط و تفریط (راغب ۱۴۱۲: ۳۰۴)؛ ابن فارس طغیان را تجاوز از حد در گناه معنا کرده و گفته است واژه طغی با مشتقاتش در قرآن ۳۹ بار در معانی مختلفی به کار رفته است (ابن فارس ۱۴۰۴: ۳ / ۴۱۲)؛ معنی اصطلاحی طغیان با توجه به منابع لغوی و تفسیری عبارت است از: «تجاوز و سرپیچی انسان از حدود مقرر شده از طرف خداوند که ناشی از جهل، غفلت، خودبینی و هوی پرستی اوست»

گزاره‌های وحیانی قرآن کریم حکایت از آن دارد که طغیان منشأ و موجب بسیار از مشکلات و نابسامانی‌های جوامع انسانی است به نحوی که این طغیان در هر طیف و طبقه‌ای که باشد باعث ناکارآمدی نظام اجتماعی و سازمانی در روابط اجتماعی شود البته طغیان در برخی افراد و گروه‌های اجتماعی دارای عوارض وسیع‌تری است برای نمونه طغیان حاکمان و اطرافیان او سیاست‌مداران و افراد وابسته به آن مدیران و کارکنان هم فکر و هم حزب او خطرات بیشتری به دنبال دارد و عوارض سوء آن قسمت وسیعی از اجتماع را گرفتار می‌کند همان‌گونه که قرآن کریم با اولویت دادن برای درمان این دسته از طاغیان نخستین مأموریت حضرت موسی علیه السلام را درمان طغیان فرعون معرفی می‌کند و می‌فرماید: «أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى \* فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَهٌ إِلَّا أَن تَزُكَّى» (نازعات ۱۷ - ۱۸)؛

یکی از برجسته‌ترین رذایل اخلاقی که باعث محرومیت انسان از الطاف بی‌کران الهی می‌شود مسئله طغیان و سرکشی افراد است و علت ابتلاء به طغیان عوامل متعددی دارد که شاید مهم‌ترین عامل آن احساس بی‌نیازی باشد وقتی انسان خودش را بالاتر و بی‌نیاز از دیگران احساس کند اقدام به طغیان و تمرد از دستورات و فرامین الهی و حتی سازمانی می‌کند همان‌گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ \* أَلَمْ يَرَأْهُ اسْتَخْفَىٰ» (علق ۶ - ۷)؛

علامه طباطبایی در تفسیرش بر این عقیده است که این آیه علت طغیان انسان را بیان می‌کند و می‌فرماید: علت طغیان این است که او خود را بی‌نیاز از پروردگار خود می‌داند،

پروردگاری که بر او انعام کرده و سراپای وجود او انعام وی است و نعمت‌های بی‌شمار او را کفران می‌کند و علت این انحراف آن است که انسان به خود و هواهای نفسانی خود می‌پردازد و دل به اسباب ظاهری که تنها وسیله مقاصد او است (و نه هدف) می‌بندد و در نتیجه از پروردگارش غافل می‌شود و به هیچ وجه خود را محتاج او نمی‌بیند، چون اگر خود را محتاج او می‌دید همین احتیاج و ادارش می‌کرد که به یاد او بیفتند و او را ولی نعمت‌های خود بدانند و شکر نعمت‌هایش را بجای آورد، نتیجه این انحراف این است که در آخر خدا را به کلی فراموش نموده، سر به طغیان بردارد (طباطبایی ۱۳۷۴: ۵۵۰/۲۰)؛

خداوند در قرآن از فرعون که مدیریت و رهبری کشورش را به عهده داشت، به عنوان سمبل طغیان نام برده است چرا فرعون طغیان کرد و حتی کارش به جای رسید که ادعای خدای کرد به این دلیل که او با توجه به قدرت و مکنات که داشت احساس بی‌نیازی کرد و در نتیجه بر اساس حرکت برخلاف آموزه‌های دینی سرانجام در رود نیل غرق شد. بدون تردید فرعون به عنوان یک مدیر فاسد و سرکش دارای انحرافات فراوانی بود ولی قرآن کریم از میان این همه انحرافات به طغیان او اشاره می‌کند چرا که علت همه آن انحرافات طغیان است.

همان طوری که یکی از مفسرین می‌نویسد: «بدون شك فرعون دارای نقاط انحرافی فراوانی بود، کافر بود، بت پرست بود، ظالم و بیدادگر بود و... ولی قرآن از میان همه این انحرافات، مسئله طغیان او را مطرح می‌کند (إِنَّهُ - طَغَى) چرا که روح طغیان و گردنکشی در برابر فرمان حق، عصاره همه این انحرافات و جامع تمام آنها است (نجفی ۱۳۹۸: ۳۳۱)؛ مؤلف تفسیر نمونه هم در این باره می‌نویسد: «در آیات قرآن مکرر به این موضوع اشاره شده که امکانات فراوان مادی باعث غرور و غفلت افراد کم ظرفیت می‌شود، زیرا با داشتن اینها خود را بی‌نیاز از پروردگار می‌پندارند» (مکارم ۱۳۷۴: ۵ / ۱۵۶)؛ لذا مناصب سازمانی وقتی به مدیران فاسد و بی‌لیاقت واگذار می‌شود و حوزه اختیارات آنان وسیع می‌شود احساس منیت و خودبرتربینی و بی‌نیاز به آنان دست می‌دهد و موجب فساد گسترده آنان می‌شود. بنابراین باید وظائف سازمانی به گونه‌ای تعریف شوند که هر شخص در هر سمتی باید پاسخگو

باشد، پاسخ‌گویی موجب مسئولیت‌پذیری شده و جلوی بسیار از فسادهای اداری را می‌گیرد.

مقام معظم رهبری هم در مناسبات مختلف نسبت به این موضوع تأکید فراوان داشته است از جمله ایشان با تمسک به این آیه درباره فرعون به عنوان یک مدیر و حاکم فاسد می‌فرماید: «خدای متعال به موسی در مواجهه با فرعون می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّئِنَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/۴۴)؛ فرعون هم این امکان را داشت که تذکر پیدا کند، به خود آید، یاد خدا را و یاد گوهر انسانی خود را در درون خود زنده کند؛ اما طغیان نگذاشت. طغیان هوای نفس، طغیان دنیاطلبی، طغیان خودخواهی‌ها، کبرها، طغیان روح بهیمیت در انسان، اینها مانع است. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۷ / ۱۰ / ۲۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2926>)

با توجه به آیات قرآن کریم و سخنان مفسرین و رهبر معظم انقلاب، می‌توان چنین برداشت کرد که مدیران به عنوان رکن اساسی در هر سازمان دارای قدرت جسمی و مالی بوده و احساس بی‌نیازی در آنها وجود دارد که همین احساس ممکن است آنها را به فساد و طغیان و سرکشی از قوانین سازمان مبتلا کند و هر مدیری که فاقد تقوا و بی‌اعتناء به آموزه‌های وحیانی باشد این حس بی‌نیازی وی باعث طغیان و سرکشی او می‌شود لذا خدای متعال از سپردن مدیریت به مدیران که واجد این صفت می‌باشند نهی کرده است.

## ۲.۲) عصیان

عصیان از ریشه واحد عصى است و اصل در معنای آن مطلق ترک پیروی است (مصطفوی ۱۳۶۰: ۸ / ۱۹۲)؛ چنانچه که به شتری که از شیر گرفته شده و دیگر دنبال مادرش نمی‌رود عاصی گفته می‌شود (فراهیدی ۱۴۰۹: ۲ / ۱۹۷)؛ علامه طباطبایی می‌نویسد: «عصیان، در لغت به معنای تحت تأثیر قرار نگرفتن، و یا به سختی قرار گرفتن است، مثلاً وقتی گفته می‌شود کسرتی کسرتی معنایش این است که من آن چیز را شکستم، ولی نشکست، یعنی از عمل من متأثر نشد، پس عصیان به معنای متأثر نشدن است، و عصیان

امرو نهی هم در حقیقت اثر نکردن این فرمان بر ذهن و ضمیر فرد است (طباطبایی ۱۴۱۷: ۱/ ۱۳۸)؛ گرچه عصیان درگفتمان امروزه به معنای گناه می‌آید، ولی در لغت به معنای خارج شدن از اطاعت و فرمان است (راغب ۱۳۷۴: ۳۳۷)؛

عصیان و گناه از اموری است که عموماً انسان‌ها به آن مبتلا است و علت ابتلا به عصیان دارای عوامل متعدد و مختلف می‌باشد که آموزه‌های دینی نسبت به آن اشاره کرده است و یکی از عوامل عصیان قدرت و داشتن تمکن مالی و جانی است که باعث می‌شود انسان به این صفت رذیله آلوده شود قرآن کریم درباره ابتلای عصیان انسان‌ها از جمله فرعون می‌فرماید: «فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً» (مزمّل/ ۱۶)؛ نه لشکر عظیم او مانع از عذاب الهی شد، و نه وسعت مملکت و قدرت حکومت و اموال و ثروتمندان نشان جلو این کار را گرفت و سرانجام همگی در امواج خروشان نیل که به آن مباحثات می‌کردند غرق شدند (مکارم ۱۳۷۴: ۲۵/ ۱۸۷)؛

شهید مطهری رحمته الله در این باره می‌نویسد: «تعلیمات قرآن یکسره بر اساس مسئولیت است، مسئولیت خود و مسئولیت جامعه امر به معروف و نهی از منکر دستور طغیان فرد است علیه فساد و تبهکاری جامعه. قصص و حکایات قرآن غالباً متضمن عنصر طغیان و عصیان فرد در برابر محیط‌ها و جوهای فساد اجتماعی است. داستان نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، رسول اکرم، اصحاب کهف، مؤمن آل فرعون و غیره همه متضمن این عنصر است. (مطهری ۱۳۷۲: ۳/ ۳۵۱)؛

مدیریت هم یک مسئولیت بزرگ مهم و تأثیرگذار در جوامع می‌باشد که عصیان در آن باعث ناکارآمدی و انحلال سازمان‌ها می‌شود عصیان انسان به نحوی مهم و خطرآفرین است که یکی از فیلسوفان به اسم سارتر با استدلال به این واژه موجودیت خود را اثبات می‌کند و می‌گوید: «من عصیان می‌کنم پس هستم» سارتر هم می‌خواهد بگوید جوهر انسانیت و موجودیت واقعی انسان عصیان و تمرد است، اگر عصیان را از انسان بگیری دیگر او انسان نیست. (همان: ۲/ ۴۰۸)؛ بر اساس این اندیشه ناقص که انسانیت انسان را در

تمزد و عصیان می‌داند در صورتی که خلاف آیات قرآن کریم است اگر چنین انسان‌های فاسد با این نوع طرز فکر مدیریت یک سازمان را به عهده بگیرد رکود و سقوط آن سازمان بدون شک قطعی و مسلّم خواهد بود زیرا عصیان طبق آیات قرآن کریم باعث نابودی امت‌ها شده است.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید: «عصیان امت یک پیامبر را مساوی با عصیان همه پیامبران می‌داند و می‌فرماید: «قوم عاد علاوه بر انکار آیات مشتمل بر حکمت و موعظه و انکار معجزه‌ای که - گفتیم - راه رشد را بر ایشان روشن می‌ساخت، رسولان پروردگار خود که عبارت بودند از هود و انبیاء قبل از آن جناب را نیز عصیان نمودند، خواهید پرسید که قوم هود هم‌زمان با انبیاء قبل از خود نبودند چطور آنان را عصیان کردند؟ در پاسخ می‌گوییم: عصیان يك پیغمبر، عصیان همه پیغمبران است برای اینکه دعوت همه انبیاء به يك دین است، پس قوم هود اگر شخص هود پیغمبر صلی الله علیه و آله را عصیان کردند با عصیان کردن او سایر انبیاء را نیز عصیان کرده‌اند» (طباطبایی ۱۴۱۷: ۱۰ / ۳۰۵)؛ با توجه به این بیان علامه می‌توان این گونه برداشت کرد که عصیان و تمزد یک مدیر فاسد در یک سازمان مساوی با عصیان و سرپیچی از قوانین یک کشور است زیرا هر کشور دارای یک قوانین و مقررات می‌باشد بنابراین لازم است به هر طریقی که ممکن است جلوی عصیان مدیران فاسد را گرفت. تا زمینه رشد و بالندگی در آن جامعه فراهم شود و در سایه سار محیط پاک و مدیران مؤمن بستر شکوفای سازمان‌ها به نحو مطلوب مهیا گردد.

### ۳.۲) تکذیب

تکذیب مصدر باب تفعیل از ماده «کذب» به معنای انکار کردن، دروغ پنداشتن چیزی و نسبت دروغ دادن به کسی است (فیومی، ۱۴۱۴: ۱ / ۵۲۸؛ مصطفوی ۱۳۷۴: ۱۰ / ۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۵۲)؛

در قرآن و روایات تکذیب در برابر تصدیق (ایمان) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۷۹ - ۴۸۱)؛ صدق و کذب (حرانی، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۱۵۸)؛ (و به معنای انکار

حقیقی مانند خداوند، پیامبر امام و روز قیامت است) (حسینی دشتی، ۱۳۷۶: ۱/۶۵۳)؛ و به طور کلی مگذب به کسی گفته می‌شود که حق را تکذیب می‌کند (عسکری، ۱۴۱۲: ۱/۲۱۴)؛

قرآن کریم در بیش از ۲۰۰ آیه به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع تکذیب پرداخته است و این تکثر در آیات قرآن نشان از آثار مخرب و سوء است که برای تکذیب وجود دارد در این آیات از تکذیب این امور سخن به میان آمده است: آیات الهی (انعام/۳۹)؛ حق (انعام/۵ - ۶۶)؛ انبیاء و رسولان (شعراء/۲۰۵؛ بقره/۸۷)؛ بیم دهندگان (قمر/۲۳)؛ قرآن (انعام، ۵۷، یونس، ۳۹ و قلم/۴۴)؛ سخن راست خداوند (زمر/۳۲)؛ نعمت‌های الهی (رحمن/۱۳ و ۱۶)؛ لقای الهی (انعام/۳۱)؛ لقای آخرت (مؤمنون/۳۳)؛ روز جزا (انفطار ۹ و حاقه/۴)؛ قیامت (فرقان/۱۱)؛ و پاداش نیکوکاران (لیل/۹)؛

یکی از چیزهای که باعث شکست و ناکارآمدی مدیران می‌شود دروغ‌گویی است مدیران که به راحتی دروغ می‌گویند کارکنان را به خطا می‌افکنند و مسائل بسیاری را به وجود می‌آورند. گاهی در مورد پیشرفت زمانی درباره مشکلات موجود یا در مورد جو کاری سازمان یا درباره کیفیت تلاش و کوشش نیروها... دروغ می‌گویند و با سخنان خلاف واقع باعث اطلاعات غلط به هم کاران و هم نوعان خودشان می‌شوند که بر اساس این اطلاعات تصمیم‌گیری می‌گیرند در نتیجه سازمان با تصمیم‌های غلط به طرف پرتگاه سقوط سوق داده می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از کسی که زیاد دروغ می‌گوید طلب کمک مکن زیرا او دور را نزد تو نزدیک و نزدیک را به تو دور جلوه می‌دهد. (مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۲۳۰)؛

تکذیب و متهم ساختن پیامبران به دروغ‌گویی یک شیوه معمولی و همیشگی از سوی مخالفان آنها بوده است پیامبرانی که به عنوان بهترین مدیران برگزیده شده از سوی خداوند برای مدیریت جامعه بشری فرستاده شده تا جامعه و آحاد مردم را به کارآیی و بهره‌وری کافی و لازم برساند تا شاهد تعالی و بالندگی جامعه و سازمان‌های بشری درگرو اطاعت و پیروی از

دستورات این مدیران رحمانی باشیم ولی پیروان و رهروان آن انبیاء الهی توفیق درک حضور و بهره کافی را از آن مدیران کارآمد نبردند لذا برای سرپیچی از دستورات آنها شروع کردند به تکذیب رسولانی که برای دست‌گیری و تعالی آنها فرستاده شده بودند و منشأ و عوامل تکذیب پیامبران در قرآن کریم؛ جهل و نادانی (یونس/۳۹)؛ نبود بصیرت (مجلسی ۱۴۰۳: ۳ / ۶۰)؛ متابعت از هوی نفس (بقره/۸۷)؛ گناهان متوالی (اسراء/۹۴)؛ ثروت‌اندوزی و دنیا طلبی (روم/۱۰)؛ آنها بود که طبق بسیاری از آیات قرآن مکذبان فرجام خوشایندی نداشته و سرانجام آثار سوء تکذیب دامن‌گیرشان خواهد شد «فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» (فرقان/۷۷)؛ و در نتیجه باعث هلاک و سقوط آن پیروان متمرّد شدند.

#### ۴.۲) تمسخر

یکی از رفتارهای نادرست و مذموم اخلاقی تمسخر و استهزاء دیگران است که بیشتر انسان‌ها به این رذایل مبتلا هستند اکثر واژه شناسان و مفسران قرآن کریم استهزا را هم‌معنای تمسخر می‌دانند. معنای این واژه این است که کسی را تحقیر کند و شأن و منزلت او را پایین آورند. (مصطفوی ۱۳۶۰: ۱۱/۲۵۶؛ قرشی ۱۳۷۱: ۷/۱۵۴)؛ و یا یکی از مبانی، اصول و آموزه‌های دینی و انسانی را بی‌ارزش جلوه دهند و آن را به ریشخند بگیرند. کلمه سخریه که مبدأ اشتقاق کلمه یسخر است، به معنای استهزا بوده، و استهزا عبارت است از: «این که انسان چیزی بگوید که با آن کسی را حقیر و خوار بشمارد، حال چه این که چنین چیزی را به زبان بگوید و یا به این منظور اشاره‌ای کند و یا عملاً تقلید طرف را در آورد، به گونه‌ای که بینندگان و شنوندگان به طور طبیعی از آن سخن، یا اشاره و یا تقلید، بخندند» (طباطبایی ۱۳۷۴: ۱۸/۳۲۱)؛

این دومعنا از قرآن کریم قابل استفاده است؛ مانند آیات زیر: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ...»؛ (حجرات/۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گروهی [از مردان]، گروهی [دیگر] را ریشخند نکنند، شاید [آنان] از اینها بهتر باشند؛ و زنانی، زنان



[دیگر] را (ریشخند نکنند)، شاید [آنان] از اینها بهتر باشند؛ و (شما) از خودتان عیبجویی نکنید و یکدیگر را با لقب‌ها [ی زشت] نخوانید.

«قُلْ أَلِلَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ»؛ (توبه / ۶۵)؛ تمسخر دارای انواع مختلف است که در این جا فرصت پرداختن به همه انواع آنها نیست و همچنین گاهی می‌تواند زبانی باشد و گاهی عملی در هر صورت این رذیله مورد نهی و مذمت قرآن می‌باشد که شایسته است انسان‌ها سعی کنند در هیچ حالی مبتلاء به این رذیله نشوند.

هر گناهی به تناسب بزرگی و ویژگی‌هایی که دارد فارغ از عذاب آخرت، آثار بد و عبرت‌انگیزی در این دنیا به همراه خواهد داشت. تمسخر و استهزاء و توهین به حقایق، از جمله پلیدی‌هایی است که غالباً توسط کسانی که منافع دنیایی خود را در خطر می‌بینند برای کاستن از ابهت و رسوخ حقایقی همانند انبیای الهی و معجزاتشان به کار گرفته می‌شود. استهزاء و توهین به فرستادگان الهی رویداد تازه‌ای نیست، بلکه همه ایشان از این طریق، مورد هجوم قرار گرفته‌اند چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»؛ (حجر/ ۱۱)؛ روشن است که خدای متعال هیچ‌گاه پیامبران خود را در میان آزار و اذیت‌ها رها نکرده است و قطعاً مسخره و توهین‌کنندگان به ایشان را به شکل‌های مختلف در دنیا و آخرت مجازات کرده و خواهد کرد. مدیرانی که دارای ایمانی استوار و قوی باشند از مسخره و سرزنش دیگران خودداری کرده با قدرت تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند و مانند کوه استوار و پا بر جا در مسیر درست گام بر می‌دارند (نبوی ۱۳۸۵: ۳۸۰)؛

## ۵.۲ منشأ و انگیزه تمسخر

از منظر آیات قرآن استهزا و تمسخر مانند بقیه افعال ناپسند انسان‌ها عوامل مختلفی دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### ۵.۲-۱) تکبر و برتر بینی

یکی از بیماری‌های مهلک مدیریت، گرفتار عجب و خودبینی شدن است به محض

منصوب شدن فرد به مدیریت خود را بالاتر از دیگران دیده و به افراد به دیده حقارت بنگرد و به همین خاطر تماس خود را با مردم قطع کرده و از آنان دوری گزیند.

اسلام به تنها به مدیر اجازه نمی‌دهد نیلش به منصب مدیریت او را به خودبینی و تکبر بکشاند، بلکه مدیر اسلامی باید به شکرانه چنین توفیقی که یافته بر تواضعش افزوده گردد و رابطه خود را با دیگران صمیمی‌تر و نزدیک‌تر و فعال‌تر کند. بی‌شک چنین رفتاری سبب خواهد شد که کارکنان و افراد تحت مدیریت وی نیز او را یکی از خود بدانند و با علاقه تمام برای رفع مشکلاتش بکوشند و نسبت به موفقیت وی از خود علاقه و حساسیت نشان دهند و بر عکس اگر فرد به اصطلاح خود را بگیرد و رابطه‌اش را با آنان قطع کند، آن‌ها هم روحاً نسبت به او احساس بیگانگی خواهند کرد و شور و شوق کار در آن‌ها رو به خاموشی خواهد نهاد. (حیدری ۱۳۸۶: ۹۶-۹۷)؛

ایشان از تکبر به عنوان سم قاتل یاد می‌کند و می‌گوید: «یکی از خصوصیات تکبر، این است که انسان خودش را از دیگران بزرگ‌تر ببیند. معنای تکبر این نیست؛ این یکی از خصوصیات تکبر است. این چیز خیلی خطرناک و عجیبی است. انسان وقتی آیات قرآن را ملاحظه می‌کند، می‌بیند روی این صفت - که با اسم‌های گوناگونی هم از آن یاد شده: استعلا، علو، استکبار، تکبر - خیلی تکیه شده و انسان مؤمن که در راه خدا حرکت می‌کند، از این خصوصیت خیلی برحذر داشته شده است. برای کسی که خود را مقتدر ببیند، تکبر فرق نمی‌کند این نوعی از تکبر است. انسان خود را دارای قدرت و غنا و بی‌نیازی احساس کند یا خود را دارای علم و دانش احساس کند (همان)؛

قطعاً بالاتر و برتر دیدن خود و یا اقوام و نزدیکان خود، یکی از ریشه‌های استهزای افراد، نسبت به سایر اقوام و ملیت‌ها می‌باشد بسیاری از تمسخر و طنزها که متوجه فرهنگ‌ها و نژاد قبایل دیگر است از این قبیل است آنجا که قرآن می‌فرماید: «... نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، ...» (حجرات/۱۱)؛ از این قسمت آیه که می‌فرماید «شاید آنها از این‌ها بهتر باشند» این طوری استفاده می‌شود که منشأ

تمسخر و استهزا، همان برتر دیدن خود و تکبر است و وجود این خصیصه در مدیران پیامدهای ویرانگر فراوانی را به همراه دارد.

### ۲.۵-۲) دنیاخواهی

بر اساس آموزه‌های دینی و وحیانی دل بستگی کافران به دنیا، یکی از عوامل استهزا و تمسخر مؤمنان معرفی شده است و کافران زینت دنیا را می‌بینند به همین دلیل (افراد با ایمان را که گاهی دستشان تهی است) مسخره می‌کنند، در حالی که مؤمنین در قیامت بالاتر و برتر از آنها هستند به خاطر اینکه حقیقت اعمال انسان در آنجا به منصفه بروز و ظهور می‌رسد و خداوند هرکسی را که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد (بقره/۲۱۲)؛

### ۲.۵-۳) جهالت و نادانی

منشأ عجب و خودپسندی معمولاً جهل و نادانی است و چون انسان خود پسند به فقر ذاتی و نیازمندی‌های فراوان خود واقف نیست کردار و گفتار خود را بزرگ می‌شمارد و بوادی وحشتناک خودپسندی کشیده می‌شود. (تقوی ۱۳۸۳: ۲۳۷)؛

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «خودپسندی انسان، نشانه ایست بر کم‌خردی او» (کلینی ۱۴۰۷: ۵۱/۱)؛ پس ضروری است که مدیر بیش از هر چیز به سلاح اندیشه و بینش تیز و تند، مسلح باشد، تا بتواند مسئولیت خویش را با جامعیت فکری بیشتر، در مسند مدیریت که جنبه هدایت و رهبری دارد به پایان ببرد ولی آنچه که تیغ تفکر را کند و درخشش ذهن را تیره می‌سازد بیماری خودپسندی است. (همان: ۲۳۸)؛ بسیاری از مردم بر اثر ندانستن آثار بد استهزا و تمسخر و عدم آگاهی از حکم به حرمت آن مرتکب این رفتار ناپسند می‌شوند؛ لذا برای سرگرم کردن خود و دیگران و عدم آگاهی از عقوبت آن اقدام به این عمل می‌کنند در حالی که در آموزه‌های دینی جهل و ندانستن، مورد مذمت و درباره آثار سوء آن بارها هشدار داده شده است از جمله حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أسوأ السقم الجهل»؛ (تمیمی ۱۳۶۶: ۷۳)؛ بدترین بیماری، ندانستن است.

مدیرانی که فکر و اندیشه‌شان اسیر خودپسندی شده باشد محکوم به شکست و ناکامی خواهند بود چون خودپسندی و خودمحوری با بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌ها سازگاری ندارد. در نتیجه ظهور و بروز چنین خصلتی موجب می‌شود که اصول انسانی زیر پا گذاشته شود و انواع ظلم‌ها بوجود آید و در نهایت شیرازه سازمان و تشکیلات از یکدیگر بگسلد.

## ۵.۲ (۴-۵) تحمیق

تحمیق به معنای بی‌خرد خواندن، نابخرد شمردن، نسبت حماقت به کسی دادن آمده است (معین، ۱۳۸۵: ۱/۱۰۴۲)؛ اصولاً راه و رسم همه حکومت‌های جبار و فاسد این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پائینی از فکر و اندیشه نگهدارند و با انواع وسایل آن‌ها را تحمیق کنند، آن‌ها را در یک حال بی‌خبری از واقعیت‌ها فروبرند و ارزش‌های دروغین را جانشین ارزش‌های راستین کنند و دائماً آن‌ها را نسبتاً به واقعیت‌ها شستشوی مغزی دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۸/۲۱)؛ تا بتوانند به امیال و خواسته‌های شیطانی حیوانی خودشان نائل شوند.

آنچه که از مطالعه عملکرد و رفتار فرعون به عنوان مدیر فاسد با پیروانش بدست می‌آید این است که تمام تلاش و کوشش را انجام می‌داد تا آنها در بی‌خبری کامل فروروند و از این طریق از او اطاعت کنند. لذا قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ...»؛ (احزاب/۵۴)؛ (فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند.

علامه طباطبایی می‌گوید: «فرعون با سخنانش عقول قوم خود را دزدید و فرییشان داد» (طباطبایی ۱۳۹۰: ۱۱۱/۱۸)؛ به عبارت دیگر فرعون برای استعمار و استثمار بنی اسرائیل از دین و دفاع از آن سخن می‌گفت و اظهار می‌داشت که من احساس می‌کنم، موسی علیه السلام ساحری باشد که می‌خواهد آیین عالی و مذهب حق شما را از بین ببرد: «وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى»؛ (طه/۶۳)؛ یا آن‌که دین و آیین شما را عوض کند: «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ»؛ (غافر/۲۶)؛ پیداست، دینی که فرعون در دفاع از آن سخن می‌گفت، دین و آیینی در مسیر تخدیر و تحمیق مردم و ابزاری برای مقدس شمردن سلطه جابرانه خود بوده است (جوادی

آملی، ۱۳۸۷: ۴)؛

تصویری که قرآن کریم از فرعون که نمادی از مدیر فاسد است ارائه می‌دهد این است که جلوی رشد فکری پیروان اش را می‌گرفت تا به زعم باطل خودش بی‌باک‌تر حکمروایی کند. البته لازم به ذکر است که این شیوه فرعونی یعنی استخفاف عقول با شدت هر چه تمام‌تر در عصر و زمان ما بر همه جوامع کفر حاکم است، اگر فرعون برای نیل به این هدف وسایل محدودی در اختیار داشت طاغوتیان و ابر مدیران سازمان‌های بزرگ جهان امروز با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات، فرستنده‌های رادیو تلویزیونی، و انواع فیلم‌ها، و حتی ورزش در شکل انحرافی، و ابداع انواع مدهای مسخره، به استخفاف عقول ملت‌ها می‌پردازند.

نمونه‌ای از کار و برنامه‌های مدیران فاسد را می‌توان در تبلیغ و ترویج فرهنگ برهنگی و لاابالی‌گری مشاهده کرد. مدیران فاسد و سردمداران خیانت‌کار در سازمان‌های اسلامی یکی از تحفه‌های که به کارکنان هدیه می‌کنند فرهنگ یاد شده است که در پوشش تمدن غربی در رسانه‌های اجیرشده ترویج و تبلیغ می‌شود! معنی این کار چیزی نیست جز احمق کردن جوان‌ها. به خصوص اقشار مرفه‌تر جامعه که برای مصرف کردن فرهنگ غربی از توانایی مالی برخوردار هستند.

یکی دیگر از ابزارهایی که مدیران ناشایست و ناکارآمد آن را به جامعه تزریق کردند فرهنگ مصرف‌گرایی بود. این فرهنگ به شدت در قرآن نهی شده و یکی از برجسته‌ترین نشانه‌های فرعون معرفی شده است (یونس/۸۳؛ دخان/۳۱)؛

اسراف و برهنگی فرهنگ‌هایی هستند که مردم را از خدا دور کرده و روح معونیت و الهی بودن را در انسان می‌راند. انسانی که از خدا دور می‌شود شیطان بر او مسلط می‌شود «اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ»؛ (مجادله/۱۹)؛ وقتی شیطان بر انسان مسلط شد عاقبت جز خواری و ذلت چیزی دیگر عاید انسان نمی‌شود؛ زیرا قسم خورده است که انسان را گمراه سازد (حجر/۳۹)؛

در نتیجه مدیران فاسد وقتی مدیریت سازمان‌ها را به عهده می‌گیرند با تحمیق کارمندان زمینه طغیان و خیانت را برای خود بلکه برای همه کارکنان سازمان فراهم می‌سازند و در بلند مدت موجب انحلال و اضمحلال و ورشکستی سازمان‌ها می‌شوند.

## ۵.۲- ۵) یأس و ناامیدی

ناامیدی نشئت گرفته از وسوسه‌های شیطنانی است که دامن‌گیر انسان می‌شود و در دل او رخنه می‌کند به نحوی که انسان را از سعی و تلاش نسبت به مقصد و هدفش باز می‌دارد و او را به یک موجود بی‌خاصیت و منزوی تبدیل می‌کند ولی بر عکس آن امیدواری هدیه‌ای است از جانب خداوند نسبت به انسان‌های مؤمن تا در تحت هیچ شرایطی از سعی وافر دست برداشته و با قوت و جدیت بیشتری مسیر زندگانی را طی کنند حضرت پیامبر گران‌قدر اسلام ﷺ در این باره فرمودند: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَلَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا عَرَسَ عَارِسٌ شَجَرًا»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۱۷۳)؛ امید و آرزو رحمت است برای امت من و اگر آرزو نبود مادر بچه‌اش را شیر نمی‌داد و باغبان نهالی نمی‌کاشت.

در مقابل امیدواری صفت ناشایست ناامیدی قرار دارد. اینقدر این خصلت نامیمون و زشت است که در لسان روایات از گناهان کبیره محسوب شده است امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: بزرگ‌ترین گناهان کبیره نزد خدا، یأس از روح‌الله و ناامیدی از رحمت و نیکی خداست (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۷۲)؛

قرآن کریم هم در این باره از زبان حضرت یعقوب به فرزندان‌ش نسبت به عدم ناامیدی دریافتن یوسف علیه السلام می‌فرماید: «يَا بَنِي إِدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»؛ (یوسف / ۸۷)؛ در قرآن مجید ناامیدی از رحمت خداوند امری ناپسند و از خصایص کافران شمرده شده است و در برخی از آیات قرآن ناامید شدن از رحمت خداوند برگرفته از رفتار انسان با ناملائمات زندگی است ناخوشی‌های که به دست خود انسان رقم می‌خورد و درواقع می‌توان گفت برآیند نتیجه و عملکرد خود اوست همانطوری که خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ

تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يُقْنَطُونَ»؛ (روم / ۳۶)؛

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که لاقفل، بخشی از مصائب و گرفتاری‌هایی که دامان انسان را می‌گیرد نتیجه اعمال و گناهان او است، خدا می‌خواهد به این وسیله به آنها هشدار دهد و آنان را پاک کرده و به سوی خود آورد. ولی در حالی که مؤمنان راستین کسانی هستند نه به هنگام نعمت گرفتار غرور و غفلت می‌شوند و نه به هنگام مصیبت، گرفتار یاس و نومیدی، نعمت را از خدا می‌دانند و شکر به درگاه او می‌برند، و مصیبت را آزمون و امتحان، و یا نتیجه اعمال خویش محسوب می‌دارند و صبر می‌کنند و روبرو به درگاه او می‌آورند.

در حالی که افراد بی‌ایمان در میان «غرور» و «یاس» دست و پا می‌زنند افراد با ایمان در میان «شکر» و «صبر» قرار دارند. (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۴۳۷)؛

این مفهوم در قرآن کریم با واژه‌های یأس، قنوط، ابلاس و خیبه بیان شده است که از نگاه قرآن کریم علت ابتلاء به یأس و ناامیدی ظاهربینی و دنیاگرایی و دوری از معنویت در زندگی است که از جمله عواقب و پیامدهای این حالت به صورت بیماری‌های مختلفی در زندگی بروز و ظهور پیدا می‌کند مانند اضطراب و افسردگی و صدمات روحی شدید بی‌هدفی و احساس پوچی لذا از نگاه قرآن این حالت ناامیدی و یاس همواره مورد نکوهش واقع شده است.

رهبر معظم انقلاب هم در این باره بارها هشدار لازم را به همه مردم داده است و از عواقب نا کارآمدی آن آگاهی کافی را بیان کرده است از جمله در دیدار مدال‌آوران المپیاد علمی ایشان فرمودند: «مشکلات نباید جوان را متوقف و نا امید کند، زیرا نا امید، سم است. (بیانات معظم له در دیدار مدال‌آوران المپیاد علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان، ۱۳۹۸ / ۵ / ۱۶ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43188>)، ایشان در جای دیگر امید را یکی از نقاط مهم و کلیدی برای پیشرفت کشور می‌داند و می‌فرماید: «امروز مسئله‌ی «امید» یکی از نقاط محوری در حرکت روبرو جلوی ملت ایران است.

مجموع تأکیدات مقام معظم رهبری، حکایت از نقش محوری یأس و ناامیدی و نقطه

مقابل آن امید، در عملکرد مثبت و منفی مدیران دارد و بدیهی است که هر یک از این دو ره‌آورد‌های خاص خودشان را دارند؛ بنابراین باید سعی شود مطابق با تأکیدات کلام وحی و بیانات رهبری سازمان‌ها به دست مدیران توانمند و امیدوار به آینده روشن سپرده شود تا رشد و تعالی و شکوفایی آنها تضمین گردد.

### نتیجه‌گیری

ره‌آورد‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیران نقش محوری در شکوفایی و ورشکستگی سازمان‌ها دارند. تأکید کلام وحی و بیانیه گام دوم بر این است که مسئولیت ادارات دولتی و سازمان‌ها به مدیران فاسد و نا کارآمد سپرده نشود چون خطر اضمحلال و نابودی و هدر رفتن سرمایه‌های مادی و انسانی سازمان حتمی است. همچنین روشن شد که عملکرد منفی مدیران تنها متوجه سازمان‌ها نیست بلکه در سطح کلان‌تر جامعه نیز متضرر خواهد شد؛ لذا تصریح شد که مدیران تنها مسئول انجام اموری اداری نیستند، بلکه رفتار آن‌ها می‌تواند بیان‌کننده مسئولیت‌ها و الزامات اخلاقی در شغل باشد.

پست سازمانی برای مدیران مسئولیت‌های را به وجود می‌آورد که می‌تواند نگرش کارکنان و مردم را به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی دگرگون سازد، از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی و کج‌روی‌های اجتماعی در سازمان، می‌توان به فساد اشاره کرد مدیران جز افراد تأثیرگذار در جامعه می‌باشند و می‌توانند در بهبود سلامت اجتماعی جامعه به‌طور چشمگیری مؤثر باشند؛ بنابراین مدیران فاسد هم در کارکنان تأثیر می‌گذارند و هم در ارباب‌رجوع چون به‌طور متناوب به این دو در ارتباط هستند و از آنجا که مدیران از بستر جامعه به سازمان‌ها می‌آیند، توجه به تربیت اخلاقی افراد در جامعه زمینه مناسبی برای کاهش کج‌روی فردی مدیران می‌باشد.

گزاره‌های وحیانی قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری روشن ساختند که فساد مدیران ریشه در ضعف ایمان و اطلاعات ناقص و باورهای نادرست مذهبی دارد؛ لذا مدیرانی که از اعتقادات دینی و پایبندی‌های مذهبی صحیحی برخوردار نباشند، اسیر هوی و هوس و



پست و مقام شده و فسادهای بزرگی را مرتکب می‌شوند، از این رو تأکید به این است که مدیران از خصوصیات فردی و ارزش‌های مذهبی بالا برخوردار باشند.

حسب یافته‌های پژوهش مشخص شد که برجسته‌ترین مؤلفه‌های مدیران فاسد از منظر قرآن و بیانیه گام دوم عبارت‌اند از طغیان، عصیان، تکذیب، تحقیر، تحمیق، مأیوسی و ناامیدی به آینده. همچنین روشن شد که هریک از موارد یاد شده نقش مخرب و نابودکننده در سرمایه‌های مادی و انسانی سازمان‌ها دارد و باید از این منظر مدیرانی که مسئولیت به آن‌ها واگذار می‌شود ارزیابی شوند. لازم به ذکر است که مؤلفه‌های یاد شده در مباحث دانش سازمان و مدیریت رایج جایگاهی ندارند؛ اما کلام وحی نسبت به آنها هشدار داده و مقام معظم رهبری نیز با الهام‌گیری از قرآن در بیانات و تألیفاتشان تأکید و تصریح نموده است که مدیران جامعه و سازمان‌های اسلامی مبرا از خصایص یاد شده باشند و تحت هیچ شرایطی مدیریت به افرادی با این ویژگی‌ها سپرده نشود.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
- ۳.
۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ۱۴۰۴.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر ۱۴۱۴.
۶. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، ناشر چاپخانه مهارت، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۷. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم: ۱۳۷۷/۱۰/۲۸
۸. بیانات معظم له: ۱۳۸۳/۱۲/۲۴
۹. بیانات معظم له: ۱۳۷۶/۷/۲۴
۱۰. بیانات معظم له در دیدار با دانشجویان: ۱۳۹۷/۳/۸
۱۱. بیانات معظم له در دیدار مدال آوران المپیاد علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان: ۱۳۹۸/۵/۱۶
۱۲. بیانات معظم له در ماه رمضان با موضوع: سی روز، سی گفتار: ۱۳۹۰/۵/۲۰
۱۳. بیانیه گام دوم انقلاب: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۶۶.
۱۵. جوادی آملی، تسنیم، تحقیق حسین شفیعی و محمد فراهانی، ناشر اسراء ۱۳۹۰.
۱۶. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، نشر اسلامی ۱۴۰۴.
۱۷. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، قم، بی جا ۱۳۷۶.
۱۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ناشر بیروت دارالفکر، ۱۴۱۴.
۱۹. حیدری تفرشی، غلام حسین، مدیریت اسلامی، ناشر انتشارات نویسنده ۱۳۸۶.
۲۰. خمینی، روح الله، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۹۲.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱۲، ۱۳۲۵.
۲۲. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مرتضوی ۱۳۷۴.

۲۳. رضایان، علی، اصول مدیریت، تهران، سمت، چ ۲۳، ۱۳۹۱.
۲۴. زارعی متین، حسن، مدیریت سازمانی پیشرفته، تهران، آگه، چ ۲، ۱۳۹۳.
۲۵. سهرابی، منصوره و حسن مجیدی، بررسی تفسیری رابطه افساد فی الارض با محاربه با تأکید بر روابط همنشینی و جانشینی، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش ۱. تهران، دانشگاه تهران ۱۳۹۲.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم ۱۴۱۷.
۲۷. عالمی، لیاقت علی، افساد فی الارض از نظر مذاهب اسلامی، طلوع، ش ۲۳، قم جامعه المصطفی العالمیه ۱۳۸۶.
۲۸. عباسی، مقدم، مدیریت آرزوهای از دیدگاه قرآن و احادیث، ناشر انتشارات جبرفت ۱۳۷۹.
۲۹. عسکری، ابوهلال، معجم الفروق اللغویه، قم، انتشارات اسلامی ۱۴۱۲.
۳۰. فتاحی زاده، فتحیه، امینی، فریده، معناشناسی «امام حق» در آیات قرآن، مطالعات تفسیری، ش ۲، قم، دانشگاه معارف اسلامی ۱۳۹۳.
۳۱. فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، قم، ناشر هجرت ۱۴۰۹.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجره، چ ۱، ۱۴۱۴.
۳۳. قاسمی محمد، حمید، اصلاح و افساد در آموزه‌های قرآنی، مطالعات قرآن و حدیث. ش ۱، تهران، دانشگاه امام صادق ۱۳۸۷.
۳۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱، ۱۳۸۳.
۳۵. قرائتی، محسن، سیصد نکته در مدیریت اسلامی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۵، ۱۳۹۱.
۳۶. قرآن در کلام رهبری، بیانات معظم له ۱۳۹۸/۱۰/۴
۳۷. قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چ ۶، ۱۳۷۱.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه ۱۴۰۷.
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، چ ۲، ۱۴۰۳.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، چ ۱، ۱۳۷۷.

۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، چ ۵، ۱۳۸۴.
۴۲. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۴۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، چ ۳، ۱۳۷۲.
۴۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، ناشر چاپخانه سپهر، چ ۲۳، ۱۳۸۵.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۱، ۱۳۷۴.
۴۶. نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، قم، موسسه بوستان کتاب، چ ۱۰، ۱۳۸۵.
۴۷. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، تهران، ناشر انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۸.
۴۸. نقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۸۳.
۴۹. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ایران؛ قم، چ ۱، ۱۳۷۹.